دیدگاه

گفت‌وگو با دکتر محمدهادی مفتح فرزند معمار «وحدت حوزه و دانشگاه»

رسالت دو سنگر در عصر گسل‌های نو

احمدی شیروان | ۴۶ سال پیش، خون آیت‌الله دکتر محمد مفتح در صحن دانشگاه تهران ریخته شد تا ایده‌ای جان بگیرد که قرار بود به یکی از راهبردهای اصلی انقلاب اسلامی بدل شود: «وحدت حوزه و دانشگاه». آن روز، این پل برای اتصال دو سنگر اندیشه در برابر استبداد و استعمار فرهنگی بنا می‌شد؛ تلاشی که امام خمینی(ره) از دست رفتن قلم و دانش مبتکر آن را ضایعه‌ای بزرگ خواند.

امروز اما آن گسل‌های دیروز، جای خود را به شکاف‌های پیچیده‌تر و عمیق‌تری داده‌اند. دیگر نه از رژیم طاغوت خبری است و نه از تقابل‌های آشکار آن دوران. مسئله امروز، یافتن زبانی مشترک برای مواجهه با توفان هوش مصنوعی، پاسخ به مطالبات نسلی نو و ارائه الگویی کارآمد از حکمرانی است. آیا آن پل قدیمی برای عبور از این گسل‌های جدید توان دارد؟ ایده وحدت در عصر دیجیتال چگونه باید بازتعریف شود تا صرفاً به نامی بر یک روز در تقویم خلاصه نشود؟

برای یافتن پاسخ و پاخوانی این میراث گرانبها، به سراغ شایسته‌ترین راوی برای این قصه رفتیم؛ یادگار آن شهید، حجت‌الاسلام دکتر محمدهادی مفتح. آنچه در ادامه می‌خوانید، تأملی است در باب اینکه چگونه می‌توان با تفکر مفتح، برای مسائل امروز ایران راه‌حل یافت.

■ از منطق مهندسی تا فهم دین

بحث را از کلیدی‌ترین میراث آیت‌الله مفتح آغاز می‌کنیم. حجت‌الاسلام مفتح در پاسخ به این پرسش که میراث پدرش یعنی «وحدت حوزه و دانشگاه» در عصر دیجیتال و هوش مصنوعی چگونه باید بازتعریف شود، تأکید می‌کند: مفهوم بنیادین این همکاری ثابت است، او توضیح می‌دهد: این ابزارها و پدیده‌های جدیدی مانند هوش مصنوعی و شبکه‌های اجتماعی، عرصه‌هایی تازه‌تر برای هماهنگی،

همکاری و همیاری میان متخصصان حوزوی و دانشگاهی تعریف می‌کنند. این به معنای آن نیست که تغییری در مفهوم بنیادین وحدت حوزه و دانشگاه و زمینه‌های کار مشترکی که حوزویان و دانشگاهیان می‌توانند داشته باشند، ایجاد کرده باشند. این‌ها ابزارهایی هستند که گاهی اوقات سرعت عمل را بیشتر می‌کنند، دقت را بالا می‌برند و منابع گسترده‌تری را در اختیار یک متخصص حوزوی و یک متخصص دانشگاهی قرار می‌دهند، اما این تحولات در ماهیت آن همکاری و وحدت، تغییری ایجاد نمی‌کنند.

اما این همنشینی علوم دقیقه و علوم دینی در عمل چگونه به کار می‌آید؟ تیلور این پیوند را می‌توان در سوابق علمی این استاد حوزه و دانشگاه به‌عنوان دانش آموخته مهندسی برق الکترونیک از دانشگاه تهران و مؤلف کتاب «روش‌شناسی استنباطات دینی» به وضوح دید. وی بهره‌گیری از الگوهای ساختارمند مهندسی را در فرایند استنباط دینی بسیار راهگشا می‌داند. هرچند مرزی نیز برای آن قائل است و ادامه می‌دهد: ما در مسائل فقهی یک اصل اساسی داریم مبنی بر اینکه احکام باید بیشتر با «تسامحات عرفی» (ملاحظات مبتنی بر فهم رایج و عمومی نگرسته شوند نه با «دقایق علمی و ریاضی». اما در فرایند و مسیر استنباط، قطعاً بهره‌گیری از علوم دقیقه، دقت‌نظرهای منطقی و الگوهای ساختارمند، بسیار راه‌گشاست. این تأثیرگذاری حتی فراتر از فقه است؛ شاید در محدوده فقه، به دلیل همان اصل تسامح عرفی، این اثر کمتر خود را بروز دهد، اما در «استنباطات دینی به معنای اعم آن» داشتن یک نگاه ریاضی و سیستمی به جهان بسیار می‌تواند به انسان کمک کند. تجربه شخصی من نیز گواه همین مدعاست؛ به توصیه بزرگان، رشته مهندسی را به دلیل محرویت ریاضیات انتخاب کردم و این دانش در ادامه مسیر بسیار به کارم آمد. به‌طور خاص، مفاهیم دروسی مانند سیستم، کنترل سیستم و طراحی سیستم در طول این سال‌ها برای من فوق‌العاده راگشا بوده‌اند.

■ راهبرد ثابت دین برای زمانه متغیر

این همنشینی دانش حوزوی و دانشگاهی در نهایت باید بتواند به پرسش‌های کلان جامعه پاسخ دهد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها، چگونگی ارائه یک نظریه کارآمد برای «حکمرانی» و «مهار قدرت» است. یادگار شهید مفتح در پاسخ به این پرسش که نظریه اسلامی قدرت چگونه می‌تواند حقوق عین شفافیت و پاسخ‌گویی را تضمین کند، ابتدا به تبیین وظیفه بنیادین فقیه در این عرصه پرداخته و می‌گوید: نظریه‌ای که من روی آن کار کرده و سعی در پررنگ کردن آن داشته‌ام، بر این مبنا استوار است که وظیفه اصلی یک فقیه، استخراج اصول است؛ همان طور که در صحیحه برنطبی، امام رضا(ع) می‌فرمایند: «عَلَيْنَا إِلْقَاءُ الْأُصُولِ وَعَلَيْكُمُ التَّفْرِيعُ» (بر ماست که اصول را ارائه دهیم و بر شماست که فروع را از آن استخراج کنید) یعنی وظیفه فقیه، استخراج استراتژی‌های کلان از منابع دینی است تا دیگران بتوانند تاکتیک‌ها و راهکارهای متناسب با زمان را از آن استخراج کنند. یک فقیه باید این هنر را داشته باشد که بتواند متناسب با شرایط زمانه، پاسخی قانع‌کننده و راه‌حلی کارآمد برای مشکلات از مبانی فقهی استخراج کند.

از منظر او، این رویکرد کلید حل معمای بنیادین مدیریت جامعه توسط دین است و چارچوب پیشنهادی خود را این‌گونه ترسیم می‌کند: وقتی ما متعقدیم دین برای مدیریت جامعه آمده است، با یک چالش مواجه می‌شویم؛ چگونه یک دین ثابت می‌تواند یک جامعه متغیر را مدیریت کند؟ صاحب‌نظران برای حل این مسئله، نظریات مختلفی را مطرح کرده‌اند؛ مانند نظریه «منطقة الفراغ» شهید صدر، «نقش زمان و مکان در اجتهاد» از دیدگاه امام خمینی(ره)، یا «احکام ثابت و احکام متغیر» از منظر علامه طباطبایی. هر یک از این نظریات، نقاط قوت و ضعف خود را دارند. وظیفه ما کشف آن استراتژی‌ها و راهبردهای کلانی است که ائمه(ع) طبق همان صحیحه برنطبی در اختیار ما گذاشته‌اند. سپس با منطبق کردن این استراتژی‌های ثابت بر شرایط روز و امکانات هر جامعه می‌توانیم راهکارهای متغیر و مناسب را از دل فقه بدست آوریم. حدیث «حَلَالُ مُحَمَّدٍ حَلَالٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَحَرَامُهُ حَرَامٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» نیز ناظر بر همین «حلال و حرام استراتژیک» است. این استراتژی‌ها در طول تاریخ ثابت‌اند و با تغییر شرایط و احوال جوامع، دگرگون نمی‌شوند. اما هر استراتژی، در هر جامعه و براساس شرایط روز و امکاناتش، یک تاکتیک خاص را برای تحقق خود اقتضا می‌کند. به اعتقاد من، این رویکرد می‌تواند گره‌گشا باشد و این توانایی را به ما بدهد که در هر زمانی، پاسخ دینی مناسبی برای مشکلات جامعه استنباط کنیم. کار فقیه دقیقاً همین است.

■ تشخیص وظیفه، یا پمدری تا پای جان

وقتی وظیفه فقیه را استخراج استراتژی‌های کلان از منابع دینی است تا دیگران بتوانند تاکتیک‌ها و راهکارهای متناسب با زمان را از آن استخراج کنند. یک فقیه باید این هنر را داشته باشد که بتواند متناسب با شرایط زمانه، پاسخی قانع‌کننده و راه‌حلی کارآمد برای مشکلات از مبانی فقهی استخراج کند.

از منظر او این رویکرد کلید حل معمای بنیادین مدیریت جامعه توسط دین است و چارچوب پیشنهادی خود را این‌گونه ترسیم می‌کند: وقتی ما متعقدیم دین برای مدیریت جامعه آمده است، با یک چالش مواجه می‌شویم؛ چگونه یک دین ثابت می‌تواند یک جامعه متغیر را مدیریت کند؟ صاحب‌نظران برای حل این مسئله، نظریات مختلفی را مطرح کرده‌اند؛ مانند نظریه «منطقة الفراغ» شهید صدر، «نقش زمان و مکان در اجتهاد» از دیدگاه امام خمینی(ره)، یا «احکام ثابت و احکام متغیر» از منظر علامه طباطبایی. هر یک از این نظریات، نقاط قوت و ضعف خود را دارند. وظیفه ما کشف آن استراتژی‌ها و راهبردهای کلانی است که ائمه(ع) طبق همان صحیحه برنطبی در اختیار ما گذاشته‌اند. سپس با منطبق کردن این استراتژی‌های ثابت بر شرایط روز و امکانات هر جامعه می‌توانیم راهکارهای متغیر و مناسب را از دل فقه بدست آوریم. حدیث «حَلَالُ مُحَمَّدٍ حَلَالٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَحَرَامُهُ حَرَامٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» نیز ناظر بر همین «حلال و حرام استراتژیک» است. این استراتژی‌ها در طول تاریخ ثابت‌اند و با تغییر شرایط و احوال جوامع، دگرگون نمی‌شوند. اما هر استراتژی، در هر جامعه و براساس شرایط روز و امکاناتش، یک تاکتیک خاص را برای تحقق خود اقتضا می‌کند. به اعتقاد من، این رویکرد می‌تواند گره‌گشا باشد و این توانایی را به ما بدهد که در هر زمانی، پاسخ دینی مناسبی برای مشکلات جامعه استنباط کنیم. کار فقیه دقیقاً همین است.

■ سیر تحول علوم از وحدت به کثرت و ضرورت بازگشت به نگاه یکپارچه

دکتر عبدالرضا جعفری بجنوردی، ریاست دانشگاه فردوسی و مقام ارشد آموزش عالی استان | واقعیت تاریخی نشان می‌دهد در دوران شکوفایی تمدن اسلامی، علومی همچون فلسفه، ریاضیات و پزشکی در یک نظام یکپارچه مطالعه می‌شدند، اما از دوره رنسانس و به‌ویژه قرن بیستم، حجم انباشت داده‌ها و ابزارهای نوین، دانشگاه‌ها را به سمت تفکیک و تخصصی شدن سوق داد. این روند که ابتدا ابزار بود، خود به غایت تبدیل شد و علم را از پرسش‌های بنیادین دور کرد؛ چنان که پرسش از «مدرک و تخصص» جای شنیدن محتوا را گرفت و نوعی تخصص‌گرایی افراطی بر فضای علمی حاکم شد. خوشبختانه نهاد علم به‌تازگی متوجه شد «تخصص» لزوماً مترادف با «حل مسائل» جامعه نیست، زیرا چالش‌هایی مانند محیط‌زیست، فقر یا هویش مصنوعی ابعاد فرهنگی و اخلاقی دارند که با نگاه تک‌بعدی حل نمی‌شوند. همین درک عمیق سبب پیدایش رشته‌های میان‌رشته‌ای و احیای رویکرد «لیبرال آرتس» شد تا دانشجویان پیش از تخصص‌گرایی، با مبانی علوم انسانی آشنا شوند و مدیران آینده زبانی مشترک برای مفاهمه داشته باشند.

این بازگشت آگاهانه از تخصص‌گرایی افراطی به نگاه جامع‌نگر، نیازمند بستری برای گفت‌وگو است و ما امروز در مشهد الرضا(ع) از موهبتی بی‌بدیل برخوردیم. وجود مبارک امام رضا(ع) که به مناظرات علمی و گفت‌وگوهای آزاد با ادیان و مکاتب مختلف شهرتاند، الگویی تمدنی پیش روی ما نهاده است. این ظرفیت عظیم معنوی به ما اجازه می‌دهد در سایه حمایت‌های آستان قدس رضوی، فارغ از مرزبندی‌های خشک علمی، باب گفت‌وگوهای بنیادین را بگشاییم. هدف این است با بهره‌گیری از این ظرفیت معنوی، به فهمی مشترک از دردهای جامعه برسیم و راهکارهایی ارائه دهیم که نه فقط ملی، بلکه جامع و انسان‌مدار باشند؛ به‌ویژه که علم را دوباره به بطن نیازهای واقعی مردم بازمی‌گرداند.

■ بیانیه «حوزه پیشرو»؛ نقشه راه گذار از شعار وحدت به تمدن‌سازی نوین

حجت‌الاسلام والمسلمین خباط، مدیر عالی حوزه‌های علمیه استان خراسان | در بحث وحدت حوزه و دانشگاه، سند راهبردی «حوزه پیشرو و سرآمد» که از سوی رهبر معظم انقلاب ابلاغ شده، نه صرفاً یک توصیه، بلکه چراغ راهی برای تبیین ظرفیت‌های بنیادین این پیوند است. امروز پرسش اصلی فراتر از ضرورت وحدت است؛ مسئله این است براساس این بیانیه، فقه و دانش دینی برای پاسخ‌گویی به نیازهای معاصر نمی‌تواند نسبت به دستاوردهای علوم انسانی و تجربی بی‌تفاوت بماند و دانشگاه هم نیازمند مبنایی ضروری برای شناخت دقیق موضوعات نوپدید است. از سوی دیگر، دین که مأمور به ساماندهی حیات اجتماعی در عرصه‌های اقتصاد، سیاست و فرهنگ است، نیازمند تعامل با علوم دانشگاهی است تا از سخت‌افزری فراتر رود. این سند همچنین حوزه را به نگاهی نقادانه و محققانه نسبت به تمدن غرب فراملی خواند که بدون ارتباط هوشمندانه با دانشگاه ممکن نیست؛ خروجی این تعامل، تربیت انسان مطلوبی است که هم متدین باشد و هم توانمند در اداره جامعه؛ ویژگی‌هایی که به تنهایی دریکی از این دو نهاد محقق نمی‌شود.

فراتر از ظرفیت‌ها، این سند مأموریت‌های مشخصی را نیز بر دوش وحدت حوزه و دانشگاه می‌گذارد که مهم‌ترین آن‌ها، تولید دانش دینی روزآمد برای پاسخ به پرسش‌های پیچیده انسان معاصر است؛ پرسش‌هایی که بدون تحلیل‌های علمی و اجتماعی قابل فهم نیستند. این وحدت باید بدیل ارتباطی میان ارزش‌های اسلامی و سازوکارهای عملی اداره جامعه باشد، چراکه تنظیم نظامات اجتماعی بدون شناخت دستاوردهای بشری ناممکن است. همچنین در میدانی که نبرد اصلی بر سر اندیشه است، وحدت این دو نهاد باید جبهه‌ای منسجم برای صیانت فرهنگی جامعه ایجاد کند. در نهایت، این همگرایی ابزاری راهبردی برای تحقق «تمدن نوین اسلامی» است که در آن علم، دین و عقلانیت اجتماعی در کنار هم قرار می‌گیرند. ما موظفیم این وحدت را از سطح شعار به یک مسئولیت تاریخی ارتقا دهیم تا نه موتور محرک پیشرفت علمی و فرهنگی نظام اسلامی تبدیل شود.

■ ضرورت تمرکز بر ظرفیت‌های بومی مشهد و پرهیز از نهادسازی‌های موازی

دکتر وحید رشتی، رئیس پژوهشگاه مطالعات انسانی دانشگاه ۱ به‌برکت وجود حضرت رضا(ع) شهر مشهد ظرفیت‌های بسیار زیادی دارد. اگر بگوییم پیشرو سرآمد که از سوی رهبر معظم انقلاب ابلاغ شده، نه صرفاً یک توصیه، بلکه چراغ راهی برای تبیین ظرفیت‌های بنیادین این پیوند است. امروز پرسش اصلی فراتر از ضرورت وحدت است؛ مسئله این است براساس این بیانیه، فقه و دانش دینی برای پاسخ‌گویی به نیازهای معاصر نمی‌تواند نسبت به دستاوردهای علوم انسانی و تجربی بی‌تفاوت بماند و دانشگاه هم نیازمند مبنایی ضروری برای شناخت دقیق موضوعات نوپدید است. از سوی دیگر، دین که مأمور به ساماندهی حیات اجتماعی در عرصه‌های اقتصاد، سیاست و فرهنگ است، نیازمند تعامل با علوم دانشگاهی است تا از سخت‌افزری فراتر رود. این سند همچنین حوزه را به نگاهی نقادانه و محققانه نسبت به تمدن غرب فراملی خواند که بدون ارتباط هوشمندانه با دانشگاه ممکن نیست؛ خروجی این تعامل، تربیت انسان مطلوبی است که هم متدین باشد و هم توانمند در اداره جامعه؛ ویژگی‌هایی که به تنهایی دریکی از این دو نهاد محقق نمی‌شود.

فراتر از ظرفیت‌ها، این سند مأموریت‌های مشخصی را نیز بر دوش وحدت حوزه

تولیت آستان قدس رضوی در نشستی با حضور جمعی از اساتید حوزه و دانشگاه، الزامات و ضرورت‌های وحدت این دو نهاد را تبیین کرد

وحدت راهبردی برای حل مسائل کشور

تولیت آستان قدس رضوی با تأکید بر اینکه «وحدت حوزه و دانشگاه» یک امر تشریفاتی یا مناسبتی نیست، بلکه ضرورتی راهبردی برای پیشرفت کشور و شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی به‌شمار می‌رود، گفت: پیوند نهادی، فعال و ساختارمند میان حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها، موجب حل مسائل پیچیده و حرکت رو به جلو علمی و تمدنی کشور است.

به گزارش آستان نیوز، آیت‌الله احمد مروی در نشست هم‌اندیشی «وحدت حوزه و دانشگاه» که سه‌شنبه شب (۲۵ آذر ۱۴۰۴) در محل دانشگاه فردوسی مشهد و با حضور جمعی از رؤسای دانشگاه‌های مشهد، مدیر حوزه علمیه خراسان، دبیر و اعضای شورای عالی حوزه علمیه خراسان برگزار شد، با گرامیداشت یاد و خاطره شهدای والامقام حوزه و دانشگاه، این دو نهاد را ستون‌های اصلی پیشرفت علمی، فرهنگی و تمدنی کشور دانست.

وی با یادآوری نام و مجاهدت شهدایی همچون شهید آیت‌الله دکتر مفتح، شهید استاد مطهری، شهید آیت‌الله بهشتی، شهید دکتر فخری‌زاده، شهید دکتر شهریاری و دیگر شهدای عزیز، اظهار کرد: این شهدا از دل حوزه و دانشگاه برخاستند و با پیوند علم، ایمان و مجاهدت، الگویی ماندگار از نقش‌آفرینی نخبگان متعهد در تاریخ انقلاب اسلامی به جا گذاشتند.

آیت‌الله مروی با تأکید بر اینکه وحدت حوزه و دانشگاه نباید به یک مراسم نمادین یا سالانه تقلیل یابد، بیان کرد: این وحدت اگر صرفاً در حد یک نشست برگزار شود و سپس تا سال آینده به فراموشی سپرده شود، از فلسفه وجودی خود فاصله گرفته است. وحدت حوزه و دانشگاه یک ضرورت بنیادین و راهبردی است، نه یک مناسبت تقویمی.

■ پیوند علم و ایمان؛ مبنای وحدت واقعی

تولیت آستان قدس رضوی با تبیین مبنای فکری وحدت حوزه و دانشگاه، تصریح کرد: اساس این وحدت، پیوند علم و دین است؛ علم و ایمان، دو حقیقت اصیل و مکمل یکدیگرند و بدون جمع میان این دو تعالی انسان و جامعه ممکن نخواهد بود.

وی افزود: علم منفک از ایمان می‌تواند به ابزاری در خدمت ظلم، سلطه و تباهی تبدیل شود؛ واقعیتی که نمونه‌های آن در جهان امروز به‌روشنی قابل مشاهده است.

آیت‌الله مروی با استناد به حدیث پیامبر اکرم(ص) که می‌فرمایند «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ»، خاطرنشان کرد: صرف علم داشتن کافی نیست؛ آنچه مطلوب است، علم نافع است؛ دانشی که در خدمت هدایت، تعالی و حل مسائل واقعی جامعه انسانی قرار گیرد.

وی همچنین با اشاره به این حدیث پیامبر اسلام(ص) که می‌فرمایند «الْعِلْمُ خِيَاةُ الْإِسْلَامِ وَعِمَادُ الدِّينِ»، افزود: دانش، ستون دین و مایه حیات اسلام است، اما علمی که نافع باشد و در مسیر مصالح انسان و جامعه به‌کار گرفته شود.

عکس: آستان قدس رضوی

■ نگاه امیدوارانه به آینده علمی کشور

تولیت آستان قدس رضوی با اشاره به دیدگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی درباره آینده کشور، گفت: رهبر معظم انقلاب اسلامی به آینده کشور امیدوار هستند و این امید، برخاسته از شناخت عمیق و اشراف واقعی ایشان بر ظرفیت‌های علمی، نخبگانی و دانشگاهی کشور است، از این رو اخیراً فرمودند: «به آینده امیدوار هستم؛ کشور رو به پیشرفت است». وی افزود: ممکن است در نگاه نخست و با توجه به برخی چالش‌های روزمره، این امید برای برخی قابل درک نباشد، اما رهبری معظم افق آینده را می‌بینند و تنها به امروز بسنده نمی‌کنند. رهبر معظم انقلاب اهل امیدبخشی کاذب نیستند. ایشان باورهای عمیق و مبتنی بر شناخت خود را بیان می‌کنند. اشراف دقیق ایشان بر مراکز علمی، نخبگانی، دانشگاه‌ها، دانشمندان، متخصصان و نیز ظرفیت‌های عظیم حوزه‌های علمیه موجب شده است این سخن از سر اعتقاد و شناخت عینی بیان شود.

آیت‌الله مروی اظهار کرد: اگر همه نخبگان ایرانی حاضر در آمریکا، آن کشور را ترک کنند، بی‌تردید آمریکا در بخش‌هایی از علم، فناوری و دانش‌های پیشرفته با چالش‌های جدی مواجه خواهد شد. چنین ظرفیت، استعداد و توان علمی عظیمی در میان ملت ایران، دانشگاه‌ها و مراکز علمی کشور وجود دارد؛ هرچند باید اذعان کرد تا رسیدن به نقطه مطلوب فاصله داریم و این مسیر نیازمند تلاش، هم‌افزایی و تحقق عینی وحدت حوزه و دانشگاه است.

■ ضرورت پیوند نهادی و ساختارمند حوزه و دانشگاه

تولیت آستان قدس رضوی با تأکید ویژه بر پیوند نهادی حوزه و دانشگاه، گفت: ما نیازمند یک ارتباط واقعی، مستمر، فعال و هماهنگ میان حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها هستیم؛ ارتباطی که از سطح تعاملات مقطعی و نمادین فراتر رود.

وی افزود: هم‌رؤسای دانشگاه‌ها و هم زعمای حوزه‌های علمیه باید با همفکری و همکاری عملی، تدابیری اتخاذ کنند که خروجی آن روشن و قابل پیگیری باشد، به‌گونه‌ای که اگر سال آینده این نشست دوباره برگزار شد، بتوان گفت فلان مسئله مطرح شد، فلان تصمیم گرفته شد و این اقدامات به اجرا درآمد. آیت‌الله مروی در بخش دیگری از سخنان خود، به رویکرد این نهاد مقدس در تعامل با دانشگاه‌ها اشاره کرد و گفت: اعتقاد ما این است هر کاری که در آستان قدس رضوی انجام می‌شود، باید از پشتوانه علمی برخوردار باشد. آستان قدس رضوی با هزاران مسئله متنوع در حوزه‌های مختلف مواجه است و حل این مسائل بدون پیوند با علوم و پژوهش دانشگاهی، کار را ناقص و ناپایدار خواهد کرد.

وی تأکید کرد: بناهای باشکوه، هنرمندانه و با عظمت حرم مطهر رضوی که بیش از ۷۰۰ سال قدمت دارند، هرگز بدون پیوند عمیق با علم و دانش ماندگار نمی‌ماندند. این آثار، هفت قرن پایدار مانده‌اند، زیرا بر پایه علم شکل گرفته‌اند.

تولیت آستان قدس رضوی در پایان سخنان خود با تأکید بر ضرورت همکاری علمی با دانشگاهیان، گفت: ما دست همکاری به سوی دانشگاهیان عزیز دراز می‌کنیم و مشارکت علمی آنان را نه تنها مطلوب، بلکه ضروری می‌دانیم.

رویداد

در نشست هم‌اندیشی «وحدت حوزه و دانشگاه» مطرح شد

میثاق نخبگان در قلب دانشگاه فردوسی؛ گامی بلند به سوی تمدن نوین اسلامی

مریم احمدی شیروان | به مناسبت سالروز تاریخی وحدت حوزه و دانشگاه، فضای علمی دانشگاه فردوسی مشهد شاهد رویدادی به یادماندنی و سرنوشت‌ساز بود. در این گردهمایی باشکوه که نشان از عزم راسخ فرزانگان برای اعتلای ایران اسلامی داشت، شخصیت‌های برجسته و استوانه‌های علمی خراسان در فضایی سرشار از صمیمیت گرد هم آمدند. حضور ارزشمند آلهام‌بخش آیت‌الله مروی، تولیت اندیشمند آستان قدس رضوی در کنار جمعی از نخبگان تراز اول دانشگاهی و حوزوی، وزانت و اعتباری ویژه به این محفل بخشیده بود. این نشست که نمادی درخشان از همبستگی عمیق نهاد علم و دین به شمار می‌رود، فراتر از تعارفات معمول اداری، به عرصه‌ای ناب برای تلاقی اندیشه‌های دلسوزانه تبدیل شد. بزرگان حاضر در این جلسه، با نگاهی بلند و تمدنی، زیر سقف دانشگاه به گفت‌وگو نشستند تا با تحکیم پیوندهای برادری، مسیر حل مسائل جامعه را هموارتر کنند. در ادامه، گزیده‌ای از دیدگاه‌های راهگشا و ارزشمند سخنرانان این نشست فاخر را می‌خوانید.

■ سیر تحول علوم از وحدت به کثرت و ضرورت بازگشت به نگاه یکپارچه

دکتر عبدالرضا جعفری بجنوردی، ریاست دانشگاه فردوسی و مقام ارشد آموزش عالی استان | واقعیت تاریخی نشان می‌دهد در دوران شکوفایی تمدن اسلامی، علومی همچون فلسفه، ریاضیات و پزشکی در یک نظام یکپارچه مطالعه می‌شدند، اما از دوره رنسانس و به‌ویژه قرن بیستم، حجم انباشت داده‌ها و ابزارهای نوین، دانشگاه‌ها را به سمت تفکیک و تخصصی شدن سوق داد. این روند که ابتدا ابزار بود، خود به غایت تبدیل شد و علم را از پرسش‌های بنیادین دور کرد؛ چنان که پرسش از «مدرک و تخصص» جای شنیدن محتوا را گرفت و نوعی تخصص‌گرایی افراطی بر فضای علمی حاکم شد. خوشبختانه نهاد علم به‌تازگی متوجه شد «تخصص» لزوماً مترادف با «حل مسائل» جامعه نیست، زیرا چالش‌هایی مانند محیط‌زیست، فقر یا هویش مصنوعی ابعاد فرهنگی و اخلاقی دارند که با نگاه تک‌بعدی حل نمی‌شوند. همین درک عمیق سبب پیدایش رشته‌های میان‌رشته‌ای و احیای رویکرد «لیبرال آرتس» شد تا دانشجویان پیش از تخصص‌گرایی، با مبانی علوم انسانی آشنا شوند و مدیران آینده زبانی مشترک برای مفاهمه داشته باشند.

این بازگشت آگاهانه از تخصص‌گرایی افراطی به نگاه جامع‌نگر، نیازمند بستری برای گفت‌وگو است و ما امروز در مشهد الرضا(ع) از موهبتی بی‌بدیل برخوردیم. وجود مبارک امام رضا(ع) که به مناظرات علمی و گفت‌وگوهای آزاد با ادیان و مکاتب مختلف شهرتاند، الگویی تمدنی پیش روی ما نهاده است. این ظرفیت عظیم معنوی به ما اجازه می‌دهد در سایه حمایت‌های آستان قدس رضوی، فارغ از مرزبندی‌های خشک علمی، باب گفت‌وگوهای بنیادین را بگشاییم. هدف این است با بهره‌گیری از این ظرفیت معنوی، به فهمی مشترک از دردهای جامعه برسیم و راهکارهایی ارائه دهیم که نه فقط ملی، بلکه جامع و انسان‌مدار باشند؛ به‌ویژه که علم را دوباره به بطن نیازهای واقعی مردم بازمی‌گرداند.

■ بیانیه «حوزه پیشرو»؛ نقشه راه گذار از شعار وحدت به تمدن‌سازی نوین

حجت‌الاسلام والمسلمین خباط، مدیر عالی حوزه‌های علمیه استان خراسان | در بحث وحدت حوزه و دانشگاه، سند راهبردی «حوزه پیشرو و سرآمد» که از سوی رهبر معظم انقلاب ابلاغ شده، نه صرفاً یک توصیه، بلکه چراغ راهی برای تبیین ظرفیت‌های بنیادین این پیوند است. امروز پرسش اصلی فراتر از ضرورت وحدت است؛ مسئله این است براساس این بیانیه، فقه و دانش دینی برای پاسخ‌گویی به نیازهای معاصر نمی‌تواند نسبت به دستاوردهای علوم انسانی و تجربی بی‌تفاوت بماند و دانشگاه هم نیازمند مبنایی ضروری برای شناخت دقیق موضوعات نوپدید است. از سوی دیگر، دین که مأمور به ساماندهی حیات اجتماعی در عرصه‌های اقتصاد، سیاست و فرهنگ است، نیازمند تعامل با علوم دانشگاهی است تا از سخت‌افزری فراتر رود. این سند همچنین حوزه را به نگاهی نقادانه و محققانه نسبت به تمدن غرب فراملی خواند که بدون ارتباط هوشمندانه با دانشگاه ممکن نیست؛ خروجی این تعامل، تربیت انسان مطلوبی است که هم متدین باشد و هم توانمند در اداره جامعه؛ ویژگی‌هایی که به تنهایی دریکی از این دو نهاد محقق نمی‌شود.

فراتر از ظرفیت‌ها، این سند مأموریت‌های مشخصی را نیز بر دوش وحدت حوزه

■ ضرورت ساختارسازی برای پیوند عملی و ارائه پیشنهادهای مشخص

دکتر راد، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی مشهد | حوزه باید خود را بیشتر در معرض نیازهای نظری و عملی قرار دهد. در علوم پزشکی، ما هم در بحث‌های فکری و هم در مباحث عملی مانند پیوند اعضا، نازایی و منشور اخلاق، نیازهای جدی داریم. شاهد مثال ما مثال شهید مطهری و شهید بهشتی هستند که بزرگان حوزه بودند اما در کنار دانشگاه و دانشجویان حضور داشتند. به نظر می‌رسد ما نیازمند ساختاریم. اگر بهترین گنج‌ها در دل زمین باشد اما راهی به آن پیدا نشود، پنهان می‌ماند. اشکال به ساختار ارتباطی برمی‌گردد.

به همین منظور و در این فرصت دو پیشنهاد مشخص ساختاری دارم. همان‌طور که در دانشگاه دفتر نهاد مقام معظم رهبری را داریم، مشخصاً باید یک اتاق فکر یا اتاق اندیشه‌ورز برای همکاری میان دانشگاه و حوزه در حوزه‌های علمیه هم شکل بگیرد و افرادی به صورت سالانه یا دوساله در این اتاق‌ها حضور داشته باشند. ما در علوم پزشکی به‌شدت به این ارتباط نیاز داریم. پیشنهاد دیگر ایجاد اندیشکده‌ای بین‌رشته‌ای بین حوزه و دانشگاه به صورت ساختاری است، مثلاً اندیشکده دین و سلامت. این‌ها باید هدف‌مند و پروژه‌محور وارد مسائل شوند.

■ ۴ پرسش بنیادین در باب دانش، نخبگان، دین و بومی‌سازی

حجت‌الاسلام والمسلمین مجتبی الهی خراسانی، استاد سطوح عالی حوزه و رئیس کمیسیون تخصصی اجتماعی و سیاسی شورای عالی حوزه علمیه خراسان | با توجه به فرصت کم، چهار پرسش ساده را که اغلب دغدغه استادان دانشگاه و حوزه است، مطرح می‌کنم.

۱. پرسش از دانش و دگرگونی: چرا دانش‌های ما در دانشگاه و حوزه کمتر به دگرگونی اجتماعی منجر می‌شود؟ فاصله‌ای میان تولید علم و اثر اجتماعی وجود دارد. چرا خود علامان (علوم اسلامی، انسانی، طبیعی و ریاضی) تلاش نمی‌کنند علم را به زندگی مردم برگردانند؟ چگونه علم بی‌مسئولیت در این نهادها شکل گرفته است؟

۲. پرسش از تربیت نخبگان: آیا ما مشغول تربیت عالم و نخبه «مسئله‌فهم» هستیم یا دانش آموختگانی با «انباشت معلومات»؟ مدل ارزیابی ما، سرفصل‌ها و انتظاراتی که در حوزه ارتقا وجود دارد، بیشتر ما را به سمت تربیت عالمی سوق می‌دهد که مسئله حل کند یا صرفاً در جریان اصلی علم جهانی حضور داشته باشد و مقاله با سایتیشن بالا تولید کند؟

۳. پرسش از دین و پرسشگری: در تلقی کلاسیک، دین پاسخ می‌دهد. اما آیا دین صرفاً در موضع پاسخ‌گو است یا می‌تواند در موضع پرسشگر هم قرار گیرد؟ آیا دین نمی‌تواند سؤال‌های عمیق‌تر اجتماعی و انسانی عرضه کند که علوم (از جمله خود علوم اسلامی) به آن بپردازند؟ آیا وقت آن نرسیده از تصویر «دین پاسخ‌گو» به «دین فقاز» فکر کنیم؟

۴. پرسش از زمان بومی: همه ما فردار دانش بومی هستیم، نه بازگشت به گذشته و نه تقلید از غرب. اما آیا درباره اینکه «دانش بومی چه چیزی نیست» توافق داریم؟ خصلت جهان‌وطنی علم چگونه با دانش بومی سازگار است؟ آیا علم در کشورهایی که توسعه پیدا کرده‌اند، بدون پیوند با فرهنگ، فلسفه و الهاتشان به کارآمدی رسیده؟ اگر نه، چرا ما تصور می‌کنیم بدون این پیوند موفق خواهیم شد؟ به نظر بنده، وحدت حوزه و دانشگاه یعنی طرح این پرسش‌های مشترک و تلاش برای پاسخ به آن‌ها.

■ هم‌افزایی علم و معنویت؛ الگوی نوین تربیت معلم تراز

**دکتر علیه رضاداد، عضو هیئت علمی دانشگ